

## اعطای درجه به فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - 29 / بهمن / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا، به برادران عزیزی که امروز درجات پرافتخار سرداری را زیب شانه‌ها و پیکرهای زجر دیده و آزمایش داده‌ی خود در میدانهای جنگ کردند، صمیمانه و با همهی وجود، تبریک عرض می‌کنم.

دو، سه نکته‌ی کوتاه را مطرح می‌کنم. مطلب اول این است که اگر ما بخواهیم با معیارهای واقعی، زحمات و مجاهدات و تلاشهای شما را اندازه‌گیری بکنیم، مطمئناً هیچ علامت و نشانه‌ی نخواهد توانست نشان دهنده‌ی عشری از اعشار فداکاریهایی باشد که برادران مؤمن مجاهد دلسوز فداکار از جان گذشته، در میدانهای نبرد انجام دادند. درجات، علامت و قرارداد است. معنای درجه، به‌طور دقیق، ارزشگذاری بر فداکاریهایی بی‌حد و اندازه‌ی یک فداکار ایثارگر نیست و نمی‌تواند باشد.

مطلب دوم این است که ما وقتی با همین دید نگاه کنیم، برای شهدای عزیزمان، قادر به تعیین درجه نخواهیم بود، که فرمود: "فوق کل بر بر حتی یقتل الرجل فی سبیل الله": هر خوبی، یک خوبی برتر دارد، تا به کشته شدن در راه خدا برسد؛ "فاذا قتل فی سبیل عزوجل فلیس فوقه بر": بالاتر از آن، دیگر هیچ نیکی و خوبی‌یی متصور نیست و وجود ندارد. نهایت، برای این که در مجموعه‌ی نیروهای مسلح، جای هر کسی باید معین باشد، ما برای شهدای عزیز هم به‌طور معمول، درجه در نظر می‌گیریم و کسانی که به شهادت می‌رسند، معمولاً یک درجه بالاتر به آنها داده می‌شود. این، به معنای ارزشگذاری شهادت نیست؛ این هم یک نوع احترام به شهید است.

مطلب سوم این است که شما برادرانی که امروز درجه گرفتید، خیلی عزیز هستید؛ اما معنای این حرف، آن نیست که ما در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اگر بخواهیم با میزان دقیق اندازه‌گیری بکنیم، بتوانیم ادعا کنیم که اندازه‌گیری کرده‌ایم و آنها را که وزن و مبلغ فداکاریشان از همه بالاتر است، امروز درجه داده‌ایم. نه، من هرگز این‌طور ادعایی نمی‌توانم بکنم و نمی‌کنم. ای بسا فداکاران، ای بسا بزرگمردان، ای بسا روحهای پاک و متعالی، ای بسا لحظه‌های دشوار انجام وظیفه‌ی توصیف‌ناپذیر در راه خدا، که از چشم من و امثال من و برادران مسؤول در ستادهای موظف در نیروهای مسلح، دور می‌مانند.

این، ضعف و نقص ماست. این، کم ارجی آن فداکاران عزیز نیست. ما محدود و ناقص و قاصریم و نمی‌توانیم حقایق و واقعیات را به شکل دقیق مشاهده کنیم. این، محدودیت بشری است. بالاخره یک عده از بهترینها و برترینها و امتحان‌داده‌ها، باید در وهله‌ی اول، به گرفتن درجه مفتخر می‌شدند، که امروز این جمع عزیز، انتخاب شدند. اجر و ارج و ارزش و مقدار تلاشی که دیگر برادران کردند - که لابد در نوبتهای بعد، به آنها درجه داده خواهد شد - بایستی محفوظ باشد و پیش خدا و پیش انسانهای بصیر، محفوظ است.

مطلب چهارم این است که درجه، یک علامت و نشانه است. پشت این علامت، خیلی چیزها هست که باید دقیقاً با درجه حاصل بشود. درجه، به معنای یک نظم دقیق و تعیین موضع و ارتباط ویژه در میان کسانی است که در خدمت دفاع از انقلاب و کشورند. این نظم و این سامان منظم باید حتماً با درجه، حضور و وجود پیدا کند؛ والا درجه بی‌معنا خواهد شد.

منطق نظامی، منطق نظم است. حیثه‌بندی نظامی، اساساً با نظم انجام می‌گیرد و بدون نظم، نظام و سازمان نظامی وجود ندارد. آن چیزی که حد فاصل بین یک سازمان نظامی و خارج از آن و غیر آن است، همین نظم دقیقی است که باید رعایت بشود. این نظم، با درجه وارد نمی‌شود؛ بلکه مطمئناً بایستی مقدمات آن، پیش از درجه تأمین بشود و شده است؛ منتها این درجه هم، تأکید کننده‌ی آن است. چه در ارتش، چه در سپاه و چه در آینده که نیروهای موظف بسیجی درجه خواهند گرفت، هم‌هی اینها بایستی آن نظم عالی و ناب اسلامی را به آن کسانی که با این لباس، مفتخر و سرافراز هستند، ببخشند و این را در مجموعه‌ی تحت فرمان خودشان، اعمال و اجرا کنند. این، یک مسؤلیت است.

به برادرانی که گاهی به این جا می آیند، تا برایشان عمامه بگذاریم، می گوییم این عمامه یی که من و شما سرمان است، وزن کمی دارد و چند سبیری بیشتر نیست - البته عمامه یی امثال من - اما بار خیلی سنگینی است. گردنهای ضعیف، مطمئناً زیر این بار سنگین می شکنند. باید از لحاظ معنوی، گردن کلفت بود، تا بشود این بار را تحمل کرد. حالا من به شما برادران عزیز می خواهم همین نکته را عرض بکنم. این چند مثقالی که وزن این درجه است، خیلی سنگین است. این کار، خیلی بزرگ است. درست است که شما تا کنون بدون درجه، همه کار کردید، به میدانهای نبرد رفته اید، جنگیده اید، فداکاری کرده اید، تا پای جان پیش رفته اید، بعضی از شما که این جا نشسته اید، شاید عضو درست و حسابی سالم در بدنتان کم است، شاید مبالغ زیادی ترکش بمب و این چیزهای زیادی و غصبی ( ! ) در بدن شما هست - اینها مسلم و معلوم - اما باید بدانید آنچه که از این لحظه با این خصوصیات بر دوش شما بار می شود، بار سنگینی است و ان شاء الله بایستی این بار را با توانایی یی که ناشی از ایمان است، به منزل برسانید. خوشحالیم که امروز بحمدالله شما جوانان پاک و مؤمن و خالص - چه سپاهی و چه ارتشی - این مراتب بالای نظامی را برعهده دارید؛ واقعا مایه یی خوشحالی است. ما کجا دیگر می توانیم در دنیا، در این درجات، با این نامها، با این عنوانها، این طور انسانهای مؤمن و سالم و خالص و پاک و با خدا پیدا کنیم؟ این، از برکات جمهوری اسلامی است و خدا را شکرگزاریم.

امیدواریم که ان شاء الله خداوند روزه روز ماها را در راه خودش موفقتر بکند و پیشتر ببرد. امروز که بحمدالله عمده یی نیروهای نظامی ما، با این درجات مدرج شدند و سازماندهیها هماهنگ شده، توقع و انتظار این است که همکاریها هم بین سازمانهای نظامی، به همین ترتیب روزه روز ان شاء الله افزایش پیدا کند و با هم همکاری و همدلی کنند؛ همان طور که دایما وصیت امام عزیزمان بود. امیدواریم که ان شاء الله با فداکاریها و قدرت و دل مصمم و عازم شما بر دفاع از ارزشهای الهی و اسلامی، روزه روز جمهوری اسلامی از لحاظ نظامی، قویتر و موفقتر بشود.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته